

کلامنا

ره نما

نشریه انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد
شماره ۴، سال دوم، قیصر ماه ۱۴۰۰



مشتق سید برادر است

سید ادرعا شکر حوکنز



در این شماره می خوانیم:

* مردم داری در سیره امام

* مهر ولایت

* شفاعت

* رفتار سیاسی امام

* کرامت انسان



نشریه ره نما

دوباره نامه علمی - فرهنگی ره نما
شماره چهارم، سال دوم، تیرماه ۱۴۰۰

«کاری از انجمن علمی دانشجویی دانشکده علوم قرآنی مشهد»

صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد

مدیر مسئول:

محمد علی کیهانی

سر دبیر:

سیده فرناز اتحاد

هیئت تحریریه:

محمد استیری

سیده فرناز اتحاد

محمد علی کیهانی

*** با تشکر ویژه از :**

دکتر محسن رجبی قدسی؛ دکتر محسن دیمه کار گراب

طراح گرافیک و صفحه آرا: محمد علی کیهانی

راه های ارتباطی انجمن علمی دانشجویی
دانشکده علوم قرآنی مشهد مقدس:

* آدرس کانال ایتا:

@anjomanelmiquran110

* آدرس اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/anjoman.uniquran.mashhad>

* آدرس رایانامه:

mashhadanjomanelmi@gmail.com

* آیدی مستقیم انجمن و نشریه ره نما:

@quranm15

* آیدی دپارتمان فناوری:

@IT.quran

* آیدی دپارتمان زبان انگلیسی و ترجمه:

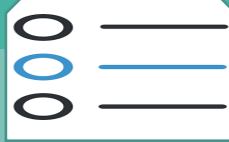
@translation_education

انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد
آماده دریافت نظرات، پیشنهادات و
همکاری های شما مخاطبین و
علاقه مندان میباشد.

انجمن علمی قرآنی



به دنبال تو / ۴



فهرست مطالب / ۳



درباره ما / ۲



ادامه دهنده راه پدر / ۱۰



مردم داری در سیره امام / ۶



سلام بر تو / ۵



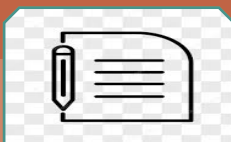
شفاعت / ۱۴



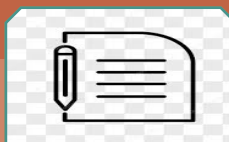
کرامت و معجزه / ۱۲



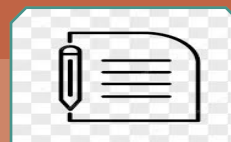
مهر ولایت / ۱۱



امام دل ها / ۲۱



کرامت انسانی / ۱۸



رفتار سیاسی امام / ۱۶

قابل توجه مخاطبین عزیز :

*راهی نو برای دسترسی به فعالیت ها و محتوا های ارزشمند انجمن علمی
*تاسیس پایگاه اینترنتی انجمن علمی دانشکده به نشانی :

<http://quranicsociety.blog.ir/>

به دنبال تو...

سمیه پریشان

چگونه از تو بنویسم بانو؟!
که نه قلم به خود اجازه می دهد نام عظیم و آسمانی ات را بنگارد و نه کاغذ تحمل سنگینی فضایل تو را دارد!!
تویی که حجت خدا به قربانت می رود!
کیست که مانند تو برکتش تمام عالم را فرا گیرد؟! تویی که مصداق رحمة للعالمینی، تویی که تا قرن ها نفس پاکت، به زمین حیات بخشید...
باید به لغت شناسان گفت در تفسیر واژه برکت چیزی جز "معصومه" ننویسند!!
برکت یعنی تو، همان روح مطهری که حتی بعد از وفاتش برای حجت های الهی، شیعه تربیت کرد، نفس عالم پُر شد از برکت، ای نفس مطمئنه ای که دست و پای قلم از نوشتن نامت می لرزد!!
تو اگر نبودی چه کسی عهده دار تربیت علما و بزرگان شیعه می شد؟!
تویی که برای مهدی موعود سر باز تربیت می کنی، تویی فرمانده سربازان لشکر مهدی...
جهان مدیون توست...
عطرت از لابلای ورق های تاریخ به مشام می رسد، معصومه یعنی روحی به بلندای زمان...
و اما... من از دختر بودنت هیچ نمی گویم، تو قبل از اینکه دختر باشی، روح الهی، کوثر موسی بن جعفری، عقيلة العرب امام رضایی...
خدا تو را آفرید که حسرت زیارت حضرت مادر به دل شیعه نماند، حسرت داشتن خواهری چو زینب به دل امام رضا نماند...
خدا اراده کرد بار دیگر سوره کوثر را تفسیر کند، آنگاه تو را آفرید!!
بانو شفاعت مان کن در یوم الحسرت، در روزی که از ترس مردمک چشمان، در حدقه می چرخد، آن لحظه همان لحظه ای ست که چشمان شیعه «به دنبال تو» می گردد...

سلام بر تو...

سیده فرناز اتحاد

خوبیهای دیگران... ضعف فراموش کردن وظایفمان... و تمام ضعفهایی که ناخواسته و ندانسته بر ما مستولی میشود و مایهٔ زحمت و اذیت خودمان یا دیگری شاید بشویم... دیگر بار شما را ای معین الضعفا با این نام میخوانم و آهوی دل و فکرمان را به ضریح شما دخیل میندیم و امیدوار به اینکه ضامن بشوید و ما را شیعهٔ خود محسوب بفرمایید، شرط و شروط ما شما را اگر گاهی مسلمانیم...

ایام دهه کرامت و میلاد با برکت ولینعمتتان امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را به پیشگاه امام عصر (علیه السلام) و شما مخاطبین گرامی تبریک عرض مینماییم. توفیق حاصل شد شمارهای دیگر از نشریهٔ رهنما مزین به نام یکی از اهل بیت (علیهم السلام) و ویژهٔ ولادت امام رضا (علیه السلام) باشد. از تمام اساتید و بزرگوارانی که در این شماره همراه ما بودند و برای این ویژه نامه همکاری مبذول فرمودند سپاسگزاریم.

فضا را آکنده میکند و همان لحظه از شما درخواست میکنم معین ما باشید در تمام ضعفهای اخلاقی، رفتاری و دینی و حتی گاهی ضعف در شاد کردن دل یک مومن و برآورده کردن اندوه دلی...

شما را به رأفت بسیار میشناسند... به غریب الغرباء بودن و به بسیار



بسیار صفتهای زیبای دیگر اما اینبار شما را با نام معین الضعفا بودنتان میخوانم... از جانب خودم و تمام مخاطبان این نوشتار مختصر که یاریمان بفرمایید در تمام ضعفهایی که داریم... ضعفی که در درک علم شاید گاهی حاصل شود... ضعف در گرگشایی از کاری... ضعف در یافت صحیح مطالب... ضعف از یاد بردن

السلام عليك يا علي بن موسى الرضا (عليه السلام)
همش قبل هر حرفی برایت شرمی خوانم
قبول کن من آداب زیارت را نمی دانم
نمی دانم چرا این قدر با من مهربانی تو
نمی دانم کنارت میزبانم یا که مهمانم

مفتخریم که نام این شماره نشریه برای شما و ویژه شخصیت والای شماست مفتخریم که از شما و دربارهٔ شما بگوییم و بنویسیم

مفتخریم که در جوار شما برای روزهای متبرک به ایام میلادتان بنویسیم و ذکر خوبیهای شما را در حد درک مختصرمان از دریای رأفت و مهربانیتان در این نشریهٔ علمی-دانشجویی بگنجانیم...

مفتخریم که از خوبیهایتان یاد کنیم؛ از روزیکه خود را شناختیم نام شما و مشهد شما با ما و خواستنها و نجواها و تمام خوشیها و دلتنگیها عجین بوده است... از نذرهای مادران و پدرانمان گرفته تا توسلهايمان برای نگاه شما به اموراتمان، گمشدنهامان، فراموش شدنهامان و در پی ضامن بودنهامان...

دست ادب بر سینه میگذاریم و مجسم میکنیم بارگاه ملکوتی شما را... عطر حریم حرمتان

مردم‌داری و رعایت حقوق مردم در سیره امام رضا (ع)

اوج خردمندی - پس از ایمان به خدا - دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر انسان است.

دکتر محسن رجیبی قاسمی



می‌کرد؛^۷ البته در این راه همه جوانب را مورد دقت قرار می‌داد به گونه‌ای که عزت و کرامت خودشان خدشه‌دار نشود.

ریان بن صلت گوید: «گروهی به خراسان نزد [امام] رضا علیه السلام رفتند و گفتند: عده‌ای از خاندان و بستگان شما کارهای ناپسند و قبیح انجام می‌دهند. خوب بود آنان را از این کارها نهی می‌کردید! حضرت فرمود: این کار را نمی‌کنم. علت آن را پرسیدند. امام گفت: زیرا از پدرم شنیدم که می‌گفت: نصیحت کردن [کسانی که حرف شنوی ندارند] نتایج تلخ و زیانباری به بار می‌آورد [و سبب بروز خشونت و گستاخی می‌گردد].»^۸

در اندیشه قرآنی امام، ارتباط با مردم و حفظ عزت و کرامت آنان، در واقع نوعی ارتباط با خدا و عبادت و سپاسگزاری از اوست. ملاک برتری مردم در نزد خدا تقوا، تفکر، اعمال صالح و سودمندی آنان است. نتیجه این برتری نیز خشوع و خشیت در برابر رب و اصلاح امور زندگی مردم و پرهیز از هرگونه برتری‌جویی و خودخواهی و استتیکار در مقابل مردم است.

امام علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «اگر کسی گمان کند من به علت خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله بهتر از این (اشاره به یکی از غلامان سیاه‌پوست) هستم، درست نیست مگر این که من عمل صالح و شایسته‌ای داشته باشم تا این که از او بهتر باشم.»^۹

۷. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۶۵.
۸. همان، ج ۱، ص ۵۸۸ - ۵۸۹.
۹. همان، ج ۲، ص ۵۷۷.

خدا در رفتارهای سخت و مصیبت‌های فراگیر است.^{۱۰}

امام روزی وارد حمام شد، مردی که آن حضرت را نمی‌شناخت از وی خواست تا بدن او را کیسه بکشد، امام بدون درنگ مشغول این کار شد. حاضران در آن جا امام را به آن مرد معرفی کردند، او سخت عذرخواهی می‌کرد؛ اما امام دست از کار نکشید، بلکه با گشاده‌رویی او را دلداری می‌داد.^{۱۱}

امام رضا علیه السلام هرگاه می‌دید یا می‌شنید کسانی حقوق مردم را رعایت نمی‌کنند - گرچه برادر یا از نزدیکان ایشان بود - سخت ناراحت و دلگیر می‌شد و برای احقاق حق مردم کوشش

۵. همان، جلد ۱، ص ۲۰۰.
۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مطبعة الحیدریة، نجف اشرف، ۱۳۷۶ ق، ج ۲، ص ۴۱۸.

امام رضا علیه السلام محبت و مهرورزی به مردم [فارغ از نژاد، مذهب و ملیت آنان] را نشانه خردمندی و نیمی از عقل می‌دانستند^{۱۲} و به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «اوج خردمندی - پس از ایمان به خدا صلی الله علیه و آله - دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر انسان است.»^{۱۳} و نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «همواره اتمم زندگی بسامان و شایسته‌ای خواهند داشت اگر یکدیگر را دوست بدارند و به هم هدیه بدهند و امانتدار باشند و از حرام دوری گزینند و مهمان‌نواز باشند و نماز را اقامه و زکات را پرداخت کنند.»^{۱۴} از این رو، امام رضا علیه السلام همواره با مردم مهربان و خیرخواه و دلسوز آنان بود و محبت خویش را در گام نخست با خوش‌رویی و خوش‌برخوردی با مردم نشان می‌داد و از هیچ کمکی برای حل مشکلات آنان دریغ نداشت.^{۱۵} اصولاً در بینش الهی حضرت رضا علیه السلام، امام: همدمی صمیمی، رفیقی مهربان، همچون پدری دلسوز و غم‌خوار، برادری همراه و همدل، مادری وظیفه‌شناس و خیرخواه نسبت به فرزند خردسالش، و پناه‌بندگان

۱. کلینی، کافی، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ ق، ج ۲، ص ۶۴۳.
۲. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۳۱ - ۳۲؛ سیوطی، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۶۷۰.
۳. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵.
۴. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۵۱ و ۴۱۸.

شخصی به آن حضرت گفت: به خدا قسم تو بهترین مردم هستی. امام علیه السلام فرمود: «سوگند مخور، بهتر از من کسی است که برای خدا فرمانبردارتر و از نافرمانی او پرهیزگارتر باشد. به خدا سوگند این آیه نسخ نشده است: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳)»

بنابراین، امام رضا علیه السلام از کسانی که به نژاد، قوم و قبیله، دین و مذهب، قدرت و ثروت، علم و موقعیت، و زهد و فقر خویش مغرور می شدند و آن را وسیله ای برای فزون خواهی، تکاثر طلبی، بهره کشی و استعمار و تحقیر مردم و تفرقه و جدایی میان آنان و از بین بردن امنیت جامعه می پنداشتند، سخت متنفر و بیزار بود.

زید بن موسی، برادر امام رضا علیه السلام در سال ۱۹۹ق در بصره شورش کرد و خانه های بنی عباس و طرفداران آنان را به آتش کشید؛ از این رو به «زید النار» مشهور گردید. وی اموال برخی را مصادره و اخذ کرد. علی بن سعید از سرداران حسن بن سهل او را دستگیر کرد و به مرو فرستاد.^{۱۲} مأمون، زید را نزد امام رضا علیه السلام برد. امام علیه السلام به او گفت: «زید! گویا فرومایگان کوفه تو را مغرور کرده و فریب داده اند

۱۰. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۷۷.

۱۱. و شما در قالب نژادها و قبیله های مختلف از یکدیگر متمایز ساختیم تا همدیگر را بازشناسید؛ نزد خدا کسی بزرگوار و ارزشمند است که با تقواست (خدا را به یاد دارد و فراموش نمی کند؛ حريم های الهی را رعایت می کند؛ خودنگهدار، پارسا و دوراندیش است). ظاهر «اکرمکم» و «اتقاکم»، افعال التفضیل است، ولی بر اساس اسلوب بیانی قرآن، معنای صفت معمولی را دارد؛ چنان که «اشقی» و «اتقی» در آیات ۱۵ و ۱۷ سوره لیل نیز همین گونه اند (ر.ک: لسانی فشارکی، تفسیر سوره شناختی آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»، تهران، ۱۳۹۷).

۱۲. تاریخ طبری، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ج ۷، ص ۱۲۳.

که چون فاطمه پاک و مطهر زندگی کرد، آتش دوزخ بر فرزندان او حرام است. این که شنیده ای خاص حسن و حسین علیه السلام است... و اگر گمان می کنی تو که خدا را معصیت می کنی وارد بهشت می شوی و موسی بن جعفر علیه السلام که خدا را اطاعت می کرد نیز داخل بهشت می شود، لازم می آید که تو در نزد خدا از موسی بن جعفر عزیزتر و گرامی تر باشی؟! به خدا سوگند! هیچ کس به آنچه نزد خداست جز به طاعت و پیروی از خدا دست نمی یابد. در حالی که تو گمان می ببری با معصیت خدا به آن می رسی و گمان تو چقدر زشت و ناپسند است».

زید گفت: من برادر و فرزند پدر تو هستم.

امام علیه السلام فرمود: مادامی که او امر خداوند عزوجل را اطاعت کنی، تو برادرم هستی. چنان که وقتی نوح علیه السلام گفت: «رَبِّ إِنِّي ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ»؛^{۱۳} پروردگارا، پسر من از خانواده من بود وعده تو حق است و تو بهترین داورانی. خداوند در پاسخ او فرمود: «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»^{۱۴} ای نوح، او اهلیت تو را ندارد [ادرای] عملی ناشایست است. بنابراین خداوند، پسر نوح را به علت عصیان و نافرمانی از خاندان نوح بیرون راند.^{۱۵}

و برپایه گزارشی دیگر، امام رضا علیه السلام سفارش کرد که «ای زید! از خدا پروا کن و حدود الهی را رعایت نما. ما [خاندان اهل بیت] به هر مرتبه ای که رسیده ایم به سبب رعایت تقوای الهی بوده است. بنابراین هر کس تقوا نداشته باشد و حدود خدا را رعایت و مراقبت نکند از ما نیست و ما نیز از او نیستیم».^{۱۶}

امام رضا علیه السلام می فرمود: هر کس عصیانگری را دوست بدارد، او خود سرکش و عاصی است؛ هر کس بنده مطیع خدا را

۱۳. هود (۱۱): ۴۵.

۱۴. هود (۱۱): ۴۶.

۱۵. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۷۱ - ۵۷۲.

۱۶. همان، ص ۵۷۳.

انحصار طلبی، تفرقه افکنی و پافشاری بر اختلاف ها، تحقیر، تهمت، تمسخر، ریختن آبروی دیگران، غیبت، بدگویی، مکر و نیرنگ، بدخواهی، سخن چینی، مجادله و بگوومگو، فاش کردن اسرار مردم، سخنان زشت و ناروا، خیانت، رباخواری، کم فروشی، اسراف و تبذیر، رعایت نکردن امانت، بی وفایی، شکستن عهد و پیمان، از بین بردن امنیت مردم و جامعه، نفی نیکان و چرخش اموال در دست عده ای قلیل از افراد جامعه، به کارگماردن سفیهان (کم خردان)، از مصادیق بارز ظلم به مردم و مردم آزاری است.

دوست بدارد، خود مطیع و فرمانبردار خدا باشد؛ و هرکس ظالمی را [در ظلم] کمک کند، ظالم است؛ و هر کس عادل را واگذارد و او را یاری نکند نیز ظالم باشد.

حَقِّ مردم بر حاکم

روزی مأمون با شادمانی خبر فتح روستاهایی از منطقه کابل را به امام رضا داد. امام فرمود: آیا فتح روستایی تورا شادمان می‌کند؟ مأمون گفت: آیا این مایه خرسندی نیست؟ امام فرمود: فرامین الهی را درباره امت محمد و حکومتی که بر ایشان داری اجرا و رعایت کن؛ همانا تو با سپردن کارها به کسانی که بر اساس حکم خدا داوری نمی‌کنند، امور مسلمانان را ضایع و تباه ساخته‌ای و خود در این سرزمین نشستهای [و از امور مردم غافل]... بر [فرزندان] مهاجران و انصار در مکه و مدینه ستم می‌رود و سوگند و پیمان هیچ مؤمنی را رعایت نمی‌کنند و روزگار بر مظلومان به سختی می‌گذرد و درآمدی برای زندگی و هزینه‌های آن ندارند و کسی را نمی‌یابند که فریادرس و شنوای مشکلات و شکایات آنان باشد... آیا نمی‌دانی والی مسلمانان همچون تیرک میان چادر است که هرکس بخوابد به آن دسترسی دارد؟!^{۲۰}

حَقِّ در راه ماندگان

یسع بن حمزه نقل می‌کند که روزی با امام رضا علیه السلام در حال گفت‌وگو بودم و بسیاری از مردم نیز از احکام الهی از ایشان می‌پرسیدند؛ در این حال، مردی بلندقامت و گندمگون وارد شد و گفت:... از زیارت خانه خدا می‌آیم و هزینه سفرم را تمام کرده‌ام، اگر موافقت کنی و مرا به دیارم روانه کنی، آنچه به من بدهید، از طرف شما به بنویان صدقه خواهم داد. زیرا، در شهر خود صاحب نعمت هستم... امام علیه السلام پس از پراکنده شدن مردم از درون اتاق بدون آن که به چهره فرد نگاه کنند... دوپست دینار به او بخشیدند و گفتند آن را مایه برکت بدان و از جانب من صدقه نده.

سلیمان جعفری گفت: فدایت شوم... چرا صورت خود را پنهان داشتی؟ امام علیه السلام فرمود:... نخواستم ذلت خواهش را در چهره‌اش بینم.^{۲۱}

۲۰. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶۳ - ۳۶۵.

۲۱. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۳ - ۲۴.

حَقِّ مسکینان و نیازمندان

معمربن خالاد گزارش می‌کند که امام رضا علیه السلام همواره از بهترین غذایی که برای ایشان می‌آوردند، مقداری را داخل سینی می‌گذاشتند و دستور می‌دادند که آن را به مسکینان بدهند؛ در این حال آیه **فَلَا أَقْتَمِ الْعَقَبَةَ**^{۲۲} را تلاوت می‌کردند^{۲۳}، خداوند می‌دانست که هر انسانی قادر به آزاد کردن بنده نیست از این رو، اطعام را راهی برای رسیدن به بهشت قرار داد.

امام رضا علیه السلام به فرزندشان امام جواد علیه السلام نامه نوشتند: ای فرزندم... به من خبر رسیده هنگامی که بر مرکب سوار می‌شوی، غلامان تو را از در کوچک بیرون می‌برند، و این از بخل آنهاست تا خیری از توبه کسی نرسد. به حقی که بر گردن تو دارم از تو می‌خواهم که ورود و خروجت جز از در بزرگ نباشد؛ و زمانی که سوار می‌شوی با خود درهم و دیناری بردار تا کسی که از تو کمکی خواست به او بدهی... من خواستار آنم که خداوند مرتبه تو را بلند گرداند. پس انفاق کن و به یاری خدا از تنگدستی و فقر بیمناک مباش.^{۲۴}

حَقِّ کارگران

سلیمان جعفری گوید: هنگام غروب همراه امام وارد منزل ایشان شدم. با غلامان، مرد رنگین پوستی نیز مشغول کار بود. امام ۷ فرمود: این مرد کیست؟ گفتند: به ما کمک می‌کند و مزدش را می‌دهیم. حضرت فرمود: اجرتش را تعیین کرده‌اید؟ گفتند: خیر، هرچه به او بدهیم راضی است. امام علیه السلام به شدت برآشفتم... گفتیم: فدایت شوم چرا خشمگین می‌شوید؟ فرمود: من بارها آنان را نهی کرده‌ام از اینکه کسی را پیش از آنکه اجرتش را تعیین کنند به کار گیرند.^{۲۵} یاسر خادم نیز گوید: امام علیه السلام بارها به ما می‌فرمود: اگر هنگامی که مشغول غذا خوردن هستید، مرا دیدید بلند نشوید

۲۲. بلد (۹۰): ۱۱.

۲۳. برقی، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۳۹۲.

۲۴. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۵۸.

۲۵. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۸۸.

بین خدا و هیچ کس رابطه خویشاوندی نیست و کسی جز از طریق اطاعت خدا به ولایت او نمی‌رسد. رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به بنی عبدالمطلب فرمود: کار و کردارتان را عرضه کنید، نه حسد و نسبتان را؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

«فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ. فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ» (مؤمنون، ۱۰۱ - ۱۰۳).

همچنین امام رضا علیه السلام خطاب به حسن بن جهم فرمود: هرکس که با دین خدا مخالفت کرد از او پرائت بجوی، هر کس که می‌خواهد باشد و از هر قبیله‌ای که بود؛ و هر کس با خدا دشمنی کند با او دوستی نکن و او را یاری مده، هر کس و از هر قبیله‌ای که باشد.

گفتم: ای پسر رسول خدا! چه کسی با خدا دشمنی می‌کند؟ فرمود: هر کس که از فرامین او نافرمانی کند.^{۱۸}

امام رضا علیه السلام به نقل از جدشان حضرت سجاد، امام علی بن الحسین علیه السلام می‌فرمودند: «هر کس از ما خاندان اهل بیت، نیکوکار باشد، دو برابر به او پاداش می‌دهند و هر کس بدکار باشد، دو برابر عذاب می‌بیند».^{۱۹}

۱۷. همان، ص ۵۷۴ - ۵۷۵.

۱۸. همان، ص ۵۷۳ - ۵۷۴.

۱۹. همان، ص ۵۶۵.

۳۰ تا ۳۲ سوره احزاب: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَا تُنَّكِحِينَ فِى غَيْبِى بِمَا ضَعَفَ لَهَا الْعُدَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ سِيرًا * وَمَنْ يُقِنَّتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا * يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِن تَقِيْنَ...».

و اگر در حال غذا خوردن طلبیده می شدیم، می فرمود: بگذارید تا غذای خود را با آرامش و آسودگی کاملاً تناول کنند و از آن فارغ شوند.^{۲۶}

همچنین وی می گوید: در روزی که امام رضا علیه السلام به علت مسمومیت رحلت کرد پس از اینکه نماز ظهر را گزارد به من گفت:

ای یاسر، اهل خانه و کارکنان و خدمتگزاران غذا خورده اند: گفتم: آقای من! چه کسی می تواند غذا بخورد با اینکه شما در چنین حالی هستید؟! امام راست نشست.

پس فرمود: سفره را بیاورید و همه اهل خانه و خدمتکاران و کارگزاران را فراخواند و کسی را فروگذار نکرد و یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار داد... هنگامی که همه خوردند، امام بیهوش افتاد.^{۲۷}

حق زرتشتیان

یاسر، خدمتگزار امام گوید: نامه ای از نیشابور به مأمون رسید که مردی زرتشتی وصیت کرده است که مال زیادی را که از او باقی می ماند میان بینوایان و تهیدستان تقسیم کنند. قاضی نیشابور آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون نظر امام علیه السلام را جویا شد. امام فرمود: ... نامه ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات های مسلمانان بردارد و به بینوایان زرتشتیان بدهد.^{۲۸}

حق مسیحیان

ریان بن شیبب از امام رضا علیه السلام پرسید، خواهرم برای گروهی از مسیحیان وصیت کرده است، ولی من می خواهم آن اموال را به گروهی از هم کیشان مسلمان خود بدهم. امام فرمود: وصیت را همان طور که هست اجرا کن. خداوند متعال در قرآن می گوید: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأْتُمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يَبْدُلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ

- ۲۶. همان، ج ۶، ص ۲۹۸.
- ۲۷. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۸۹-۵۹۰.
- ۲۸. همان، ج ۱، ص ۶۷۴.

سَمِعُ عَلِيم»؛^{۲۹} گناه تغییر وصیت پس از شنیدن آن، فقط بر تغییردهندگان است و مسلماً خدا شنوای داناست.^{۳۰}

حق اهل ذمه

زکریا به امام رضا علیه السلام گفت: مردی از اهل ذمه^{۳۱} که به فقر و گرسنگی دچار شده بود، فرزندش را آورد و گفت: فرزندم مال تو، او را خوراک و لباس بده تا برده تو باشد. امام فرمود: انسان آزاد، خرید و فروش نمی شود؛ این کار، شایسته نیست و درباره ذمیان نیز روا نمی باشد.^{۳۲}

عدم تبعیض میان مردم

عبدالله بن صلت از مردی اهل بلخ شنید که می گفت: امام علیه السلام روزی همگان را بر سر سفره فراخواند و غلامان از سیاه و غیر سیاه بر سر سفره نشستند. به او گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست که برای اینان سفره ای جداگانه گسترده شود؟ فرمود: آهسته! از این سخن دست بردار! خدای همه یکی است. مادر و پدر [مان] نیز یکی است [پس تفاوت و تبعیض نباید باشد]؛ [درجه و] پاداش هر کسی بر اساس رفتار اوست^{۳۳} [نه شکل و نژاد و شغل و موقعیت او].

نفی هرگونه مردم آزاری

از منظر امام رضا علیه السلام ظلم به مردم و مردم آزاری در هر قالب و شکلی و با هر هدف و توجیهی، سبب خروج انسان از دایره ایمان و اسلام می گردد.

آن حضرت به نقل از رسول خدا می فرماید: «الْمُسْلِمُ مَن سَلِمَ النَّاسُ

- ۲۹. بقره (۲): ۱۸۱.
- ۳۰. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۱۶.
- ۳۱. آن دسته از اهل کتاب که تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی می کنند.
- ۳۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۱۰.
- ۳۳. همان، ج ۸، ص ۲۳۰.

[مِن يَدِهِ وَيَسَانِهِ]؛ مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او در امان باشند.^{۳۴}

انحصارطلبی، تفرقه افکنی و پافشاری بر اختلاف ها، تحقیر، تهمت، تمسخر، ریختن آبروی دیگران، غیبت، بدگویی، مکر و نیرنگ، بدخواهی، سخن چینی، مجادله و بگووهگو، فاش کردن اسرار مردم، سخنان زشت و ناروا، خیانت، رباخواری، کم فروشی، اسراف و تبذیر، رعایت نکردن امانت، بی وفایی، شکستن عهد و پیمان، از بین بردن امنیت مردم و جامعه، نفی نیکان و چرخش اموال در دست عده ای قلیل از افراد جامعه، به کارگماردن سفیهان (کم خردان)، از مصادیق بارز ظلم به مردم و مردم آزاری است؛ امام رضا علیه السلام برائت و دوری گزیدن از روش و شیوه این افراد را جزو شرایع دین و اسلام خالص و ناب می دانند: «... وَالْبِرَاءَةُ مِمَّنْ نَفَى الْأَخْيَارَ وَ شَرَّدَهُمْ وَ... جَعَلَ الْأَمْوَالَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَ اسْتَعْمَلَ السُّفَهَاءَ... [واجب]».^{۳۵}

- ۳۴. ابن بابویه، علل الشرایع، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۵۲۳. نیز نک: نسائی، سنن، دارالفکر، بیروت، ۱۳۴۸ ق، ج ۸، ص ۱۰۴.
- ۳۵. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۵.

ادامه دهنده راه پدر

زمانی که امام رضا علیه السلام قصد رفتن به مرو را کردند؛ علما و فرهیختگان نزد امام آمده و گفتند از این پس سوالات علمی خود را از چه کسی بپرسیم؟ فرمودند دخترم

امیر محمد زالانه

صبر و امیدواری و شناخت هدف

حضرت معصومه (س) تمام دوران کودکی و نوجوانی خود را در فراق پدر گذراند. در حالی که می‌دانست پدر در زندان است و تحت شکنجه‌های متعدد قرار می‌گیرد؛ ولی صبر و بردباری و امیدواری که در وجود ایشان بوده از شگفتی‌هاست چون حضرت معصومه (س) با پدر ارتباط بسیار عمیق و جانانه‌ای داشت و تحمل و صبر ایشان ستودنی است، هرگز در زندگی امید خود را از دست ندادند. ایشان در هر شرایطی هدف و مقصد را می‌شناختند و در جهت رسیدن به مقصد، هر بلائی را به جان می‌خریدند. اگر انسان در زندگی هدف داشته باشد سخت‌ترین مسائل هم که برایش پیش بیاید مقاومت می‌کند بلکه مقاوم‌تر می‌شود و به هدف بیشتر معتقد می‌شود. آنچه در زندگی حضرت معصومه (س) حرف اول را می‌زند هدف شناسی ایشان است. یعنی حضرت در زندگی ۲۸ ساله خود کاملاً می‌دانستند دنبال چی هستند و هدف معلوم و معین بود و از این شاخه به آن شاخه نمی‌پریدند. اینگونه نبودند که یکبار افراط کنند و یکبار تفریط. با یک حرکتی بر مبنای شناخت مقصد و هدف با طراحی متعادل بر مبنای آموزه‌های امام معصوم علیه السلام، مراحل مختلف مبارزه و رسیدن به مقصد را گذراندند.

با نگاهی به بیانات حجت الاسلام مرتضی ادیب یزدی



به برادر خود امام رضا علیه السلام و دلتنگی برای ایشان، به ایران مهاجرت کرده و هرگز خانواده را تنها نگذاشتند.

فعالیت سیاسی و اجتماعی

ویژگی بارز دیگر این بانوی بزرگوار، فعالیت‌های سیاسی ایشان بوده است. پس از اینکه امام رضا علیه السلام به مرو آمدند، حضرت معصومه (س) ۹ ماه بیشتر در مدینه نماندند و به همراهی برادران و برادرزاده‌های خود به سمت مرو هسپار شدند. در این هنگام ایشان هدف از هجرت را یاری رساندن به امام زمان خود مطرح کردند.

همواره حضرت معصومه (س)، به عنوان الگویی که ویژگی‌های کاربردی دارند مطرح شده است. علما و مراجع بسیاری در مقابل ایشان زانوی ادب زده و دست به دامان کرم ایشان شده‌اند. شخصیت والای ایشان سبب شده که بعد از امام رضا علیه السلام برترین فرزند امام کاظم علیه السلام شناخته شوند. عالمه بودن و همراهی ایشان با امام زمان خود، از نکات ارزنده شخصیتی ایشان است که نه تنها ایشان را برای دختران جامعه الگو می‌سازد.

فعالیت علمی

عالم بودن حضرت معصومه (س) یکی از ویژگی‌های کاربردی ایشان می‌باشد. برخی اینگونه جلوه می‌دهند که اسلام با علم‌آموزی زنان موافق نیست حال آنکه زنانی در اهل بیت بودند که عالمه بوده و فعالیت‌های علمی انجام می‌دادند. درباره علم حضرت معصومه (س) نیز نکاتی در تاریخ ثبت شده است. در زمانی که امام موسی کاظم علیه السلام در زندان بودند، بسیاری از علما، مراجع و دانشمندان نزد حضرت معصومه (س) آمده و سوالات خود را می‌پرسیدند و حضرت به مشکلات علمی مراجعان پاسخ می‌دادند

پایبندی به خانواده

ویژگی دیگر حضرت معصومه (س) پایبندی به خانواده بود که در جامعه امروز خود بسیار به آن نیازمندیم. حضرت از کودکی با وجود عدم حضور پدر، و با وجود سختی‌های بسیار در خانواده، همواره در کنارشان بوده و در بزرگسالی به جهت یاری رساندن

مهر ولایت

هر که با علم خلوت کند، هیچ خلوقی او را به وحشت نیندازد، زیرا در هر خلوقی، علم مونس اوست و از تنهایی به وحشت نمی افتد.

خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۳۳

زهرا مرادی

(معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی)

آموزه های رضوی، گنجینه ارزش مندی است که جنبه های گوناگون حیات بشری را در آن می توان یافت؛ اثر حاضر «معیارهای اقتصادی» را برای کاوش و پژوهش در آن منبع عظیم برگزیده است. مالکیت، حدود و شرایط آن، پدیده فقر، علل و عوامل آن، مبارزه با فقر، کار و عمل، تعاون و مددکاری اجتماعی، اخوت اسلامی و خاستگاه اقتصادی آن، مسئولیت دولت، پدیده سرمایه داری، کرامت انسان و حقوق او، موضوعاتی است که این کتاب بدان ها پرداخته است.

اثر حاضر، برگرفته از کتاب «الحیة» جلد های سوم تا ششم است و در واقع، شرح و تفسیری بر پاره ای از مسائل اقتصادی مطرح شده در آن می باشد.

نویسنده: محمد حکیمی

سال نشر: ۱۳۹۲

تاریخ اولین چاپ: ۱۳۷۶

ناشر: بوستان کتاب قم



(مهر ولایت در آسمان ایران)

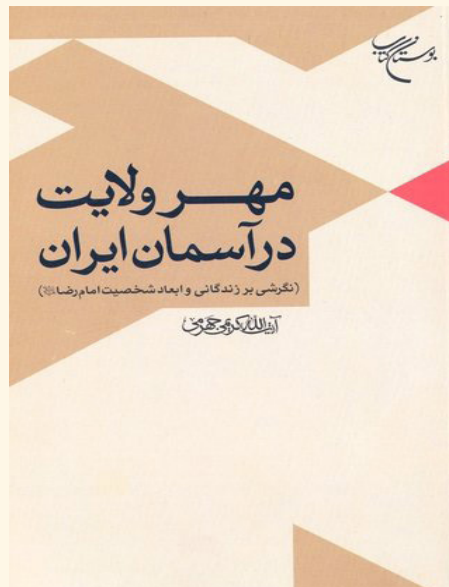
اثر حاضر، تحقیقی اجمالی در زمینه ابعاد مختلف زندگی، شخصیت، فضایل و معجزات امام رضا (ع) است. در این اثر ضمن بیان گوشه هایی از کیفیت ولادت، معرفی خاندان و زندگی امام رضا (ع)، به جهات مختلف شخصیت ایشان اعم از سیره اخلاقی، عبادی، اجتماعی، سیاسی و علمی آن امام پرداخته شده و روش زندگی ایشان با توجه به شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن دوران و ولایت عهدی ایشان، مورد بحث و بررسی اجمالی قرار گرفته است. در همین زمینه نویسنده داستان هایی از زندگی امام رضا (ع)، اخلاق کریمانه ایشان، کثرت عبادت وی، نحوه برخوردی با اقشار مختلف مردم، معجزات و کرامات ایشان در دوران حیات و پس از رحلت آن امام و مقابله ایشان با خط انحراف در زمان خویش نقل نموده و اهمیت زیارت قبر شریف ایشان و آثار دنیوی و اخروی آن را از منظری روایی بیان نموده است. نگارنده همچنین تحلیلی از علل پذیرش ولایت عهدی توسط امام رضا (ع) ارائه نموده و اقدامات مهم ایشان در این دوران را که منجر به شهادت وی گردید، گزارش نموده است.

نویسنده علی کریمی جهرمی

سال نشر: ۱۳۹۳

تاریخ اولین چاپ: ۱۳۹۳

ناشر بوستان کتاب قم



کرامت و معجزه

کرامت انسان در حق خودش یعنی تلاش برای رسیدن به آرمان هایی که انسان های دیگر به آن فکر هم نمی کنند.

علی پردل

میدونی کرامت و معجزه یعنی چی ؟؟؟

همان کرامت نفس هست

همان که عزیز مصر را محبوب دل ها کرد ،^۶

کرامت انسان در حق خودش یعنی تلاش برای رسیدن به آرمان هایی که انسان های دیگر به آن فکر هم نمی کنند یعنی انتخاب مسیر سخت تر برای چشیدن روز های بهتر همان طور که در اشعار هم آمده است ؛

هر که در این راه مقرب تر است
جام بلا بیشترش می دهند

و دانستن این مسأله که با انتخاب مسیر سخت ولی بهتر راه نجات افراد بیشتر می شود ، سختی پایان زندگی نیست^۷ کرامت یعنی قهرمان فداکاری ها ، یعنی انتخاب سرنوشت های خطرناک و همانند علی فدای رهبر خود شدن^۸ و در میان جمع کثیری همراه و یاور پیامبر (ص) شدن^۹ کرامت در یک کلام فدای حسین شدن است در حالی که ؛ می شود رفت و در یک کلام آن مسیحی به صلیب کشیده شدن و کرامت حربین یزید ریاحی است که به هشدار درونی اش گوش سپرد و هدایت شد .



مگر این که انسان از همه نعمت هایی که داره استفاده کنه اون نعمت ها ؛ بصیرت و آینده نگری یوسف گونه هست ، زمانی موفق میشیم که بدونیم چه چیزی به نفع مون هست چه چیزی به نفع مون نیست و چه چیزی در بلند مدت سود می رسونه ، نگیم فقط عده خاصی مثلا امامان یا پیامبران دارای کرامت هستند و مردم را نجات می دهند نه ، ما هم باید به خودمان کرامت کنیم و قدرت فهم و تشخیص داشته باشیم که ؛ اگر مامون صفت ها با پیشنهاد های رنگین دنیایی اهداف والای مارو نشونه گرفتن ما با خنثی کردن نقشه های شوم شون امیدشون رو ببندیم ، کرامت انسان به خودش این هست که مثل ضامن آهو روی هدف خودش باشه نه دل بستگی به مقام دنیایی که ؛ از مامون به او پیشنهاد شد این نعمت آینده نگری

هر انسانی در زندگی خودش مسئول سرنوشت خودش هست ، باید طوری عمل کنه که ؛ مدیون خودش نباشه^۱ وقتی انسان

مدیون خودش نمیشه که قدر دان موقعیت های به دست آمده زندگی خودش باشه و اینو بدونه که ؛ خدا همیشه و در همه حال

داره صدقش می کنه و داره نگاهش می کنه بهت می گه چه کار بکن چه کار نکن ، این شما هستی که با فکر صحیح و انتخاب

درست سرنوشت رو رقم می زنی^۲ و باید بدونی خدا فکر کردن رو بخشیده و تو هستی که باید راه درست را به خودت ببخشی

و بدونی سرنوشت یا شاکر بودن را رقم می زنه یا کافر بودن^۳ آدم یا حضرت محمد شدن اختیاری هست ، انتسابی نیست

انتخاب و فکر کردن دو نعمت هست که با بندگی و پرورش فکر صورت گرفته^۴ اون چیزی که ؛ باعث شد یوسف عزیز مصر بشه

در دست گرفتن نفس خودش بود ، اون چیزی که باعث شد ابراهیم بت شکن بشه شکستن بت های درونش بود و آن چه باعث موفقیت هر فردی میشه در دست گرفتن افسار نفسش هست^۵ در دست گرفتن افسار هم ممکن نیست

۶ مراجعه نمایید به ؛ ویکی شیعه ،

ولایتعهدی امام رضا

۷ آیه ۶ سوره انشراح ((ان مع العسر

یسرا))

۸ مراجعه شود به داستان لیله المبیته ؛

ویکی شیعه

۹ مراجعه شود به حدیث یوم انذار سایت

های پرسمان و ویکی شیعه

۱ مدثر ؛ ۳۸ ((کل نفس بما کسبت رهینه

۲ ر.ک آیه ۳۵ بقره

۳ ر.ک ۳ ؛ انسان

۴ پرتال جامع علوم انسانی ؛ معنای حقیقی

اختیار

۵ رجوع نمایید به سوره های یوسف و داستان

قرآنی حضرت ابراهیم

خوب به درونت بنگر توهم هرروز می شنوی امدادهای الهی را صدای نزدیک الهی را ، تو هم می توانی زندگی بهتررا انتخاب کنی .

می توانی هم آغوش نوای الهی که از رگ ردن به تو نزدیک تر است به عرش الهی برسی و پرواز کنی تو از درون به خود وفا دار باش.

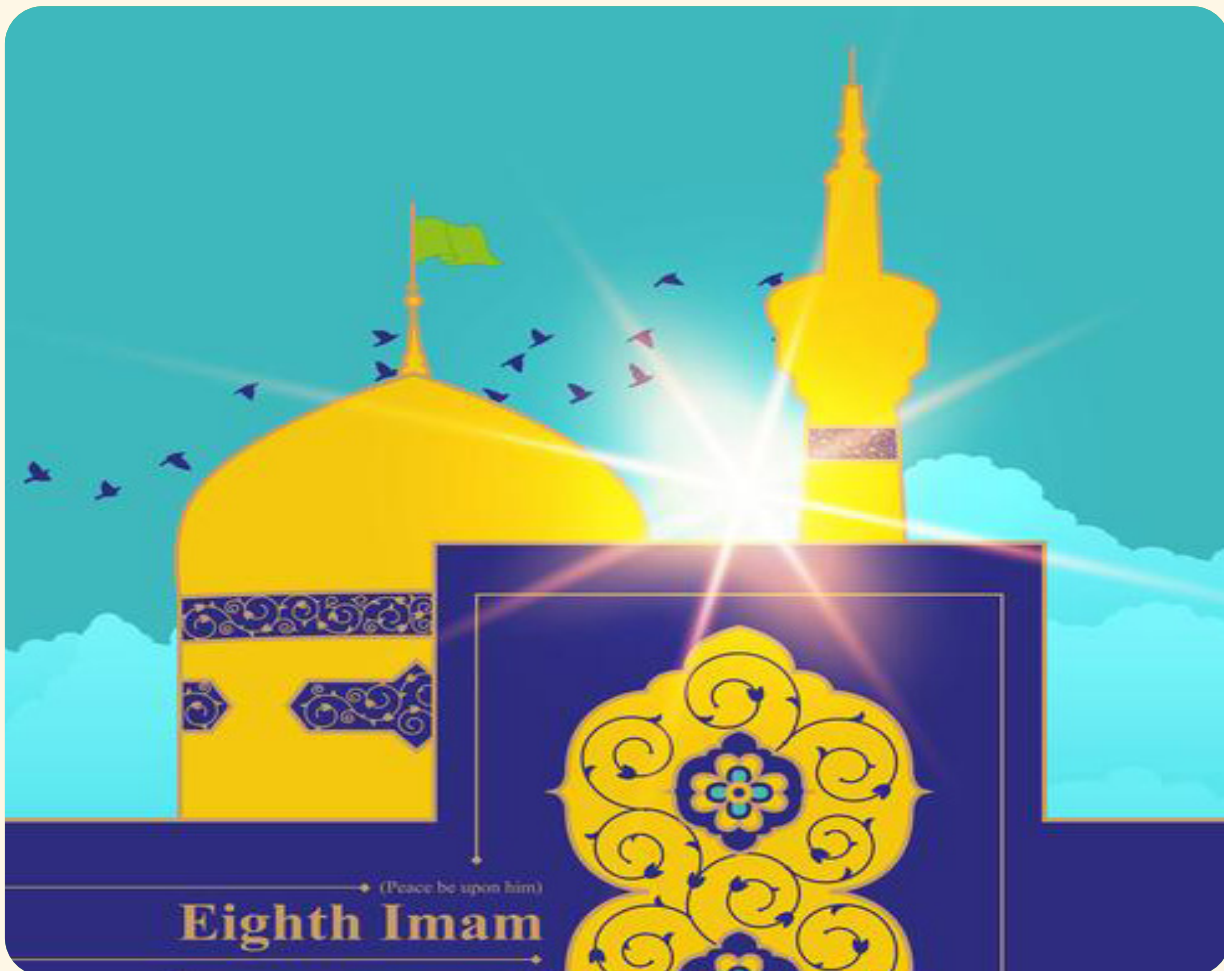
وفاداربه مردم و خدمت وانرژئی و فدای در راه اهداف ولایت باش دراین جاست که کریم شده ای و وقتی کریم باشی اگر چه معجزه پیامبران را ندیده ای اما با رسیدن به درجه کرامت شاهد معجزه خدا خواهی بود .

در پایان ؛

برای دیدن معجزات الهی در زندگی به واسطه باز کردن چشم و گوش دل و خدایی ساختن آن به خود کرامت کن .

آن زمان عزیز خلق و خالق می شوی .

این است کرامت و این است اعجاز الهی .



شفاعت

شفاعت کسی سودی نمی‌بخشد مگر شفاعت آن کس که خدا به او اذن دهد.

سمیه صفری زاده

شفاعت باطل:

آن است که مجرم برخلاف قانون اقدام کرده و از راه غیر قانونی یا نامشروع بر اراده قانون‌گذار و هدف قانون چیره شود. این‌گونه شفاعت در دنیا نوعی ظلم است و در آخرت غیرممکن. شفاعت باطل ناشی از اعتقاد نادرست تفریض است، به این معنا که خداوند بعد از خلق عالم اداره آن را به دیگران سپرده و خود دیگر نقشی در آن ندارد؛ به همین جهت دیگران می‌توانند مستقل و جداگانه اقدام به شفاعت کنند و اگر کسی بتواند نظر شفیعان را جلب کند دیگر نیازی به جلب نظر خداوند ندارد.

شفاعت صحیح:

شفاعت به معنای صحیح و قرآنی آن، که مورد اعتقاد شیعه و تأیید احادیث پیامبر و ائمه اطهار است آن است که شفاعت به طور کامل از آن خداوند است و هیچ کس بی‌اذن او نمی‌تواند شفاعت نماید. شفاعت انبیا و ائمه نیز هرگز به این معنا نیست که آنان نقشی مستقل دارند یا برای رسیدن به شفاعت ایشان اموری غیر از آنچه خداوند به آن فرمان داده لازم باشد. بلکه به عکس، آنان تنها کسی را شفاعت می‌نمایند که خدا از او راضی باشد: «لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى»^۴.

^۳ مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص ۲۳۴

^۴ سوره انبیاء، آیه ۲۸



بررسی مجموع آیات شفاعت نشان می‌دهد که قرآن کریم نوعی از شفاعت را تأیید می‌کند و نوع دیگری از شفاعت را باطل دانسته و نفی می‌کند. منظور از آیات نفی‌کننده شفاعت این است که کسی مستقل از خدا چنین حقی را ندارد و منظور از آیات اثبات‌کننده شفاعت این است که اساساً و ذاتاً شفاعت برای خداست و برای غیر خدا با اذن او است: «وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ»^۲ شفاعت کسی سودی نمی‌بخشد مگر شفاعت آن کس که خدا به او اذن دهد.

۲ - سبأ: ۲۳

يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّانِ

مقام شفاعت چیست؟ و چه کسی میتواند دارای این مقام باشد؟

شفاعت به معنای ضمیمه کردن یا پیوند دادن چیزی به چیزی دیگر است^۱.

شفاعت کنندگان در قرآن سه ویژگی دارند: ایمان به خدا داشته و از اعمال خلائق آگاه باشد: «وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» کسانی را که غیر از او می‌خوانند قادر بر شفاعت نیستند؛ مگر آنها که شهادت به حق داده‌اند و به خوبی آگاهند. داشتن اذن از جانب خداوند: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ» در آن روز شفاعت کسی سودی ندهد مگر آنکه خدای رحمان به او اذن دهد و گفتارش را در مورد شفاعت از دیگران بپسندد. نزد خدا عهدی دارد: «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْداً» آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد.

۱ این منظور، لسان العرب، ذیل واژه شفع

با توجه به این نکته که امام معصوم مبالغه نمی‌کند و کلامش عین حقیقت است، می‌توان نتیجه گرفت که حضرت معصومه (سلام الله علیها) حقیقتاً در شأن و مقامی می‌باشند که در باب شفاعت ایشان درباره تمام اهل بهشت پذیرفته می‌شود.

بایو جان شفیعہ روز محشر اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّانِ

الهی آمین .

امام صادق علیه السلام ، در خلال پیشگویی از تولد حضرت معصومه (سلام الله علیها)، به این نکته اشاره می‌نمایند که جایگاه و درجه‌ی معنوی این بانوی گرامی در مرتبه‌ای است که می‌تواند تمام شیعیان را در روز قیامت شفاعت نماید. «تَقْبِضُ فِيهَا امْرَأَةً مِنْ وُلْدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»^۵

در آن شهر (قم) زنی از نسل فرزندان من رحلت خواهد نمود که نامش فاطمه دختر موسی می‌باشد و به (واسطه‌ی) شفاعت او تمام شیعیان من وارد بهشت خواهند شد. «آری؛ حضرت رضا (علیه السلام) نیز به ما یاد داده که در زیارت خواهر بزرگوارشان چنین بخوانیم: «یا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّانِ؛ ای فاطمه معصومه! در مورد رفتن به بهشت، مرا شفاعت کن، چرا که در پیشگاه خداوند، دارای مقام و منزلتی بس ارجمند هستی.»^۶

شهید مطهری شفاعت را صورت عینی و ملکوتی روابط معنوی در این جهان معنا می‌کند^۷ به باور شهید مطهری زمانی که یک انسان، سبب هدایت انسانی دیگر می‌شود رابطه پیروی و رهبری در میان آنان در رستخیز به صورت عینی در می‌آید و عالم از مُتَعَلِّم شفاعت می‌کند؛ به همین دلیل امام حسین علیه السلام شفیع بسیاری از مردم می‌شود، زیرا مکتب حسین علیه السلام باعث هدایت بسیاری در این دنیا شده است^۸. شفاعت‌کننده را از این رو شفیع می‌گویند که با ضمیمه کردن یا پیوند زدن شخص دیگری به خود، باعث رفع کمبودها و نجات او می‌شود. اعتقاد به شفاعت در دیگر ادیان آسمانی همچون یهودیت و مسیحیت نیز وجود دارد^۹.

۵ محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۲۸

۶ محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص ۲۶۸

۷ مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۵۲.

۸ مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۵۲.

۹ دایرة المعارف کتاب مقدس، ص ۴۱۱



فاطمه! در بهشت از من شفاعت کن چرا که تو در پیشگاه خداوند دارای مقامی بس ارجمند و والا هستی

رفتار سیاسی امام رضا علیه السلام

در این نوشتار قصد داریم رفتار سیاسی امام رضا علیه السلام را با توجه به بیانات مقام معظم رهبری بررسی کنیم

سیده فرناز اتحاد

خود را داشت؛ پس جهاد او نیز به تناسب زمان مختصاتی می یافت؛ عیناً مانند دیگر ائمه هشت گانه، از زمان امام سجاد علیه السلام تا امام عسکری (علیه السلام) که هر یک یا هر چند نفر، مختصاتی در زمان و به تبع آن، در جهاد خود داشتند و مجموعاً زندگی آنان، دوره چهارم از زندگی ۲۵۰ ساله را تشکیل می دهد که خود نیز به مرحله هایی تقسیم می گردد» (۱۳۶۸/۰۷/۱۶)

رفتار سیاسی امام رئوف علیه السلام با دستگاه حکومتی جبار و ظالم عباسی:

«عمر مبارک امام رضا علیه السلام تقریباً ۵۵ سال بوده است - یعنی از سال ۱۴۸ که سال شهادت امام صادق علیه السلام است تا سال ۲۰۳ - تمام زندگی این بزرگوار با همه این عظمت ها و عمق ها و ابعاد گوناگونی که می شود برای آن ذکر کرد و تصویر کرد، در همین مدت عمر نسبتاً کوتاه انجام گرفته است. از این مدت ۵۵ سال، نزدیک به ۲۰ سال - تقریباً ۱۹ سال - مدت امامت این بزرگوار است؛ اما همین مدت کوتاه را که ملاحظه می کنید، تأثیری که در واقعیت دنیای اسلام گذاشت و به گسترش و عمقی که به معنای



این نقشه خصمانه دستگاه سیاسی قاهر و هتاک و ظالم را درست به عکس و در جهت منافع حق و حقیقت برگردانند. این یک فصل برجسته ای از تاریخ ائمه علیهم السلام است» (۱۳۹۳/۰۶/۱۶)

امام رضا علیه السلام ادامه دهنده خط جهاد و مبارزه ائمه (علیه السلام):

«امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز همه زندگی خود را وقف این جهاد مقدس ساخته بود؛ درس و تعلیم و فقه و حدیث و تقیه و تربیتش در این جهت بود. البته، زمان او ویژگی های

تقریباً همزمان با ایام دهه کرامت، حماسه و انتخابی بزرگ در پیش داشتیم و به پیروی از رهبر انقلاب اسلامی و پاسداشت خون شهیدان این انقلاب در این وظیفه خطیر مشارکت کردیم. به همین منظور خالی از لطف نیست از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به رفتار سیاسی امام رضا علیه السلام مروری داشته باشیم و برای ادامه مسیر از این کلام ناب نکاتی را از نظر بگذرانیم:

نوع برخورد امام رضا علیه السلام در برابر سیاست بازی های مأمون:

«تفصیل خواسته های مأمون و دستگاه خلافت از اینکه انگیزه او از این دعوت و از این فشار و این اصرار و کشاندن امام هشتم چه بود، طولانی است، او یک محاسبه ای کرده بود که این محاسبه صرفاً سیاسی بود و برای تحکیم پایه های قدرت و به ضعف کشاندن حرکت معرفت اهل بیت علیهم السلام و کاری که این بزرگوارها می کردند، سیاست او این بود. در مقابل این حرکت سیاسی و زیرکانه مأمون، امام هشتم علیه السلام یک برنامه مدبرانه الهی را طراحی کردند و عمل کردند و پیش بردند که نه فقط خواسته های دستگاه خلافت برآورده نشد، بلکه درست به عکس، موجب رواج و گسترش فکر معارفی قرآنی و منتسب به اهل بیت علیهم السلام در اقطار دنیای اسلام شد. یک حرکت عظیم، با توکل به خدای متعال، با تدبیر الهی، با آن نگاه نافذ، امام هشتم علیه السلام توانستند

حقیقی اسلام و پیوستن به اهل بیت علیهم السلام و آشنا شدن با مکتب این بزرگواران انجامید، یک داستان عجیبی است، یک دریای عمیقی است. آن وقتی که حضرت به امامت رسیدند، دوستان و نزدیکان و علاقه‌مندان حضرت می‌گفتند که: علی بن موسی در این فضا چه کار می‌تواند انجام بدهد - این فضای شدت اختناق هارونی که در روایت دارد که می‌گفتند: وَ سَيْفُ هَارُونَ تَقَطَّرُ دَمًا؛ خون می‌چکد از شمشیر هارون - این جوان در این شرایط، در ادامه جهاد امامان شیعه و در مسئولیت عظیمی که بر عهده‌اش است، می‌خواهد چه بکند؟ این اول امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام است. بعد از این ۱۹ سال یا ۲۰ سال که پایان دوران امامت و شهادت علی بن موسی الرضا است، وقتی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که همان تفکر ولایت اهل بیت و پیوستگی به خاندان پیغمبر آن‌چنان گسترشی در دنیای اسلام پیدا کرده که دستگاه ظالم و دیکتاتور بنی عباس از مواجهه با آن عاجز است» (۱۳۹۲/۰۶/۲۶).

بیداری در برابر دشمن

«درس امام رضا علیه السلام به همه‌ی ما این است که ای مسلمان! از مبارزه خسته نشو. نخواب چون دشمن همیشه بیدار است و در شکل‌های مختلف و در لباسها و نقاب‌های گوناگون و با آرایش‌های رنگارنگ ظاهر میشود؛ چشم تیزی داشته باشید، دشمن را بشناسید و راه مبارزه‌ی با دشمن را بلد بشوید و مثل علی بن موسی الرضا از اول تا آخر مبارزه را ادامه بدهید» (۱۳۶۳/۰۹/۳)



کرامت انسانی

سرچشمه‌ی همه‌ی ناهنجاری‌ها در زندگی انسان و نارسایی‌ها درباره‌ی آسایش و کرامت او، از این نقطه آغاز می‌شود که کرامت و جایگاه انسان در جهان آفرینش نزد آدمیان چندان شناخته شده نیست.

نسیم عیسی پور

برخوردهای خود با انسان‌ها نداشتند. همه‌ی طبقات اجتماعی و به‌ویژه افراد به ظاهر پایین، نزد آن امام همام منزلتی همسان با دیگران داشتند و از کرامتی یکسان برخوردار می‌شدند.

در نقلی از کتاب کافی (ج ۸، ص ۲۳۰) آمده است: عَبْدُ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ ... قَالَ: كُنْتُ مَعَ الرَّضَا ع فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَّاسَانَ فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوْلِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ لَوْ عَزَلْتَ لَهُمْ لَأَمَّا مَائِدَةٌ فَقَالَ مَهْ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاجِدْ وَالْأُمَّ وَاحِدَةً وَالْأَبَّ وَاجِدْ وَالْجَزَاءَ بِالْأَعْمَالِ^۱.

به روایت اباصلت هرروی، خدمتگزار امام رضا علیه السلام که گفت: در سفر به خراسان همراه امام بودم، روزی همه را بر سر سفره فراخواند و غلامان او از سیاه و غیرسیاه آمدند و برسر سفره نشستند. به ایشان گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست که برای اینان سفره‌ای جداگانه گسترده شود؟ امام گفت: "خاموش! خدای همه یکی است و مادر یکی و پدر یکی (پس تبعیض و تفاوتی نیست) و پاداش هرکس بسته به اعمال و کردار اوست."

جایگاه انسانی افراد در مکتب امام رضا علیه السلام براساس اصل توحید و خداواری است. در سیره‌ی رضوی



رسیدن انسان به مرحله‌ی فراتر و مسیری در خور کرامت انسانی اوست. اما سرچشمه‌ی همه‌ی ناهنجاری‌ها در زندگی انسان و نارسایی‌ها درباره‌ی آسایش و کرامت او، از این نقطه آغاز می‌شود که کرامت و جایگاه انسان در جهان آفرینش نزد آدمیان چندان شناخته شده نیست. تمام تلاش پیامبر بزرگوار اسلام و امامان معصوم، توجه دادن انسان به ارزش و کرامت و جایگاه انسانی او بوده است. این موضوع در زندگی امام رضا علیه السلام بسیار درخشیده است. طبق نقل روایات در کتب معتبر شیعه، ایشان کمترین تفاوتی در

" لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ " (اسراء / ۷۰)

طبق بیان صریح آیات قرآن، نوع انسان دارای تکریم الهی است. از زمانی که نطفه منعقد می‌شود او دارای کرامت است و به اتفاق نظر همه‌ی ادیان الهی، کسی حق نابودی این نطفه را ندارد چراکه در حکم قتل نفس است. مگر در مواردی خاص که جان مادر در خطر باشد. این نطفه، جان می‌گیرد و رشد می‌کند، به دنیا آمده و بزرگ می‌شود. مدت زندگی جسمانی او به پایان می‌رسد و روح از جسم او خارج شده و مُرداری بیش باقی نمی‌ماند که اگر رها بشود بوی تعفن او فراگیر می‌شود اما باز هم همین جسم بی‌جان او دارای کرامت است و برای نماز بر او و غسل و تکفین و تدفین او آداب و قوانینی خاص تشریح شده است.

این کرامت نه از جانب ذات انسان، بلکه از جانب خداوند به عنوان موهبت به انسان عطا شده است. پس باید در حفظ آن کوشش شود. اما گاهی انسان‌ها با قطع رابطه با خدای خود، این کرامت را از بین می‌برند و حُرمت خویش را ضایع می‌کنند. تکریم انسان تا زمانی واجب و بالارزش است که تحت ولایت الهی باشد و گرنه زمانی که انسان خود را مستقل از پروردگار خویش بداند خداوند کرامت را از او می‌ستاند.

همه‌ی سازوکارهایی که حضرت حق در جهان تعبیه کرده است در جهت

۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

اگر خدا می‌خواست همه‌ی مردم روی زمین به دین می‌گراییدند (یونس/۹۹) از روی اجبار و ناگزیری، چنان‌که هنگام دیدن حقایق (پس از مرگ) و دیدار قدرت حق در آخرت ایمان خواهند آورد. من اگر با مردم روشی اجباری در پیش گیرم، نه سزاوار پاداشند و نه شایسته‌ی ستایش. لیکن من می‌خواهم با آزادی و اختیار به دین بگروند و در مجبور نباشند، تا شایسته‌ی قرب و اکرام من گردند و در بهشت جاوید، جاودانه زندگی کنند. آیا تو مردمان را مجبور می‌سازی تا دین‌باور باشند (یونس/۹۹)

احترام و کرامتی که انسان‌ها دارند، مانع می‌گردد که پیامبر اسلام همگان را به اجبار به دین‌باوری وا دارد و با زور و قدرت آنان را معتقد بار آورد، زیرا که چنین دین‌باوری جایگاه و کرامت انسانی انسان‌ها را نادیده می‌گیرد و این رفتار در منطق دین نادرست است. گرایش به دین باید از سر عقل و شناخت صورت بگیرد و اختیار و آزادی انسانی در آن رعایت گردد تا باورها و ایمان‌ها ریشه‌دار و درونی باشد. از این رو می‌نگریم که پیامبران به نشر فکر و دین‌باوری میان مردم می‌پرداختند و کامل‌ترین الگوی رفتاری در بین مردم بودند و هیچ‌گاه در سیره‌ی نبوی، چشم‌بسته و نادانسته، عقیده‌ای را از کسی نخواستند.

از طرف دیگر، زندگی انسان‌ها در هاله‌ای از حقوق قرار دارد که اگر هر کدام از این حق‌ها نادیده گرفته شوند و یا کم‌رنگ و بی‌اهمیت شوند زندگی سالم انسانی دچار مخاطره شده و آسایش و آرامش و امنیت را از میان می‌برد. در نتیجه، می‌توان گفت کرامت آدمیان و استعدادها و ارزش‌های انسانی در صورتی رشد می‌یابد و بالنده و کارآمد می‌شود که زندگی بر اساس حق و حقوق استوار گردد و اصل راستی و درستی بر زندگی‌ها سایه بگستراند. در این صورت مدیران جامعه باید حق‌باور و حق‌محور باشند و به چیزی جز حقوق انسان‌ها رضایت ندهند و همه چیز را در راه اجرای درست آیین حق فدا کنند. این اصل حیاتی تنها در دوران ظهور منجی به نهایت خود خواهد رسید. در آن دوران بالاترین معیار در جامعه‌ها حقوق انسان‌هاست. در پرتو این حق‌مداری مطلق است که انسان‌ها راه درست را در پیش می‌گیرند و از هرگونه ظلم و زور رها شده و کرامت از دست رفته‌ی خویش در طول تاریخ را به‌دست می‌آورند.

تمامی برتری‌های خانوادگی و اجتماعی محکوم است زیرا انسان‌ها در اصل و ریشه همانند هستند و کسی بر کسی برتری ندارد. طبق این حکمت رضوی (الجزء بالأعمال)، اگر کسانی با رفتارهای شایسته به مقامات بلند رسیدند و جایگاهی برتر یافتند در آخرت پاداش کار خود را دریافت خواهند کرد و این نباید در زندگی دنیایی آن‌ها موجب برتری جویی و یا امتیازخواهی شود.

نه تنها ظاهر انسان‌ها مایه‌ی برتری نیست و باید کرامت انسانی همگی انسان‌ها حفظ شود بلکه کرامت انسانی در مجموعه افکار، اندیشه‌ها و خواسته‌های آدمیان نیز جلوه‌گر می‌شود. انسان‌ها که دارای تکریم الهی هستند، خواسته‌های آنان نیز دارای کرامت است و گرایش‌ها و گزینش‌های آنان نیز گرامی است و افکار و اندیشه‌های هر انسانی باید مورد احترام باشد و جامعه به باورهای انسان‌ها حرمت بگذارد و کسی را برای انتخاب ناشایست و نادرست، مورد تحقیر و کم‌بینی قرار ندهد.

امام رضا علیه السلام به نقل از پدران خود از امام علی علیه السلام می‌فرمایند: مسلمانان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: ای رسول خدا! اگر کسانی را که در حوزه‌ی قدرت تو هستند، در پذیرش اسلام مجبور کنی، نفرات ما زیاد می‌گردد و در برابر دشمنان نیرومند می‌شویم.

(عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۱؛ ص ۱۳۵)

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِبِدْعَةٍ لِيُمْ يُخْذِتْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا عَلَى سَبِيلِ الْإِلْجَاءِ وَ الْإِضْطِرَارِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يُؤْمِنُونَ عِنْدَ الْمُعَايَنَةِ وَ رُؤْيَةِ الْبَاسِ فِي الْأَخْرَةِ وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِمْ لَمْ يَسْتَجِئُوا مِنِّي ثَوَابًا وَ لَا مَدْحًا لَكِنِّي أُرِيدُ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْمِنُوا مُخْتَارِينَ غَيْرَ مُضْطَرِّينَ لِيَسْتَجِئُوا مِنِّي الزُّلْفَى وَ الْكَرَامَةَ وَ دَوَامَ الْخُلُودِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ أ فَأَنْتَ تَكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۲....

پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: من هیچ‌گاه با انجام دادن کاری که بدعت است و درباره‌ی آن دستوری نرسیده است به دیدار خدای بزرگ نخواهم رفت و من از زورگویان نیستم. سپس این آیه نازل شد، ای محمد،

۲ ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام - تهران، چاپ: اول،

در کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۲ امام رضا علیه السلام به دعبیل خزاعی شاعر نامدار شیعی فرمودند:... اگر از دنیا تنها یک روز مانده باشد (یعنی بی گمان و یقیناً) آن روز را خداوند چنان می گستراند و طولانی می کند تا رستخیز قائم علیه السلام آغاز گردد و قائم ما (خاندان) قیام کند و سراسر زمین را از عدل و داد پر کند همان طور که از ظلم و ستم پر شده بود. (۳)

در پرتو این تعالیم تردیدناپذیر رضوی و اسلامی، دوران پایان تاریخ، دوران دستیابی همه ی انسان ها به حقوق خویش است و همچنین دوران شکوفایی کرامت انسانی.

منابع:

*قرآن کریم

- (۱) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- (۲) ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.
- (۳) ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة. تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ ق.



امام دل ها

گوشه ای از اهتمام امام رضا علیه السلام نسبت به حوائج مردم

دکتر محسن دیمه کار گراب

رسیدگی به حوائج مردم یکی دیگر از جنبه‌های اهتمام حضرت به امور مردم است که به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌کنیم:

أ- ریان بن صلت گوید:

وقتی تصمیم گرفتم به عراق بروم، میل داشتم بروم با حضرت رضا(ع) وداع کنم و با خود گفتم پس از خداحافظی از ایشان تقاضا می‌کنم یکی از لباسهای تنش را به من عنایت کند تا آن را جزء کفن خود قرار دهم و چند درهم از مال خود امام بخواهم تا با آنها برای دخترانم انگشتر بسازم. همین که وداع کردم چنان گریه مرا گرفت که از غصه جدائی ایشان فراموش کردم چیزی بخواهم، از خدمتش خارج شدم. ناگاه مرا صدا زده فرمود: ریان برگرد. برگشتم فرمود: آیا نمی‌خواهی یکی از پیراهنهایی که پوشیده‌ام به تو بدهم تا پس از مردن جزء کفن خود قرار دهی و نمی‌خواهی چند درهم به تو بدهم با آنها انگشتر برای دخترانت بسازی. عرض کردم آقا! در دل تمام این آرزوها و تصمیم را داشتم اما اندوه جدائی شما مرا مانع شد از اینکه تقاضا کنم. متکا را بلند کرد پیراهنی بیرون آورده به من داد و یک طرف جانماز را کنار زده مقداری پول در اختیارم گذاشت وقتی شمردم سی درهم بود.

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۷۶-۴۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۹، ص ۳۵-۳۶).

ب- هشام عباسی گوید:

خدمت حضرت رضا(ع) رسیدم تصمیم داشتم درخواست کنم دعائی به من لطف فرماید برای دردسری که عارضم می‌شد و دو جامه از لباس‌های خود به من عنایت فرماید در آن احرام بیندم. همین که وارد شدم و چند مسأله سؤال کردم جوابم را داد از حاجت خود فراموش کردم از جای حرکت کردم تا خارج شوم خواستم وداع و خداحافظی کنم فرمود: بنشین روبرویش نشستم دست روی سرم گذاشت و دعا خواند بعد دو جامه از جامه‌های خود را خواست و به من عنایت کرد فرمود با این دو جامه احرام ببند. هشام عباسی نیز گوید: در مکه دو جامه سعیدی جستجو کردم بخرم برای پسر هر چه تفحص کردم نیافتم در بازگشت به مدینه آمدم و خدمت حضرت رضا(ع) رسیدم، پس از خداحافظی دو جامه سعیدی به همان طوری که من می‌خواستم رنگارنگ به من لطف فرمود.

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۲۰-۲۲۱؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۷۸).

ج- محمد بن عبد الله قمی گوید:

خدمت حضرت رضا(ع) بودم خیلی تشنه شدم نخواستم تقاضا کنم آب بیاورند خود امام آب خواست مقداری میل نموده به من داد فرمود محمد بیاشام آب سردی است پس آشامیدم

(صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۰۴؛ قطب‌راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۳۲؛ برای مشاهده نمونه دیگر رک: طبری، بی‌تا، ص ۱۸۷).

اهتمام ویژه به امور شیعیان، عطف و مهربانی حضرت به شیعیان، محافظت از جان شیعیان، رسیدگی به امور ایشان و برآوردن حوائج آنها و نشان دادن آیات و معجزات، پاسخگویی به مسائل علمی شیعیان که در دل داشتند و به دلائل گوناگون از یادشان می‌رفت چه در حضور حضرت و چه در قالب نامه و مواسات ایشان در امور مالی شیعیان همه حاکی از تلاش جدی و پویایی بسیار ایشان در میان مردم بود و این امور به خوبی بیانگر اوج اهتمام و رسیدگی به امور، حوائج و نیازهای شیعیان و دیگر مردم بود. در واقع چنین اموری که از آن در ذیل معجزات حضرت یاد می‌شود، یکی از شاخصه‌های اساسی عملکرد و اقدامات حضرت در دوران امامت ایشان در ارتباط با شیعیان و مردم بود. از سوی دیگر در خصوص بازتاب صدور چنین معجزات در بین مردم لازم به ذکر است که بی‌تردید اشخاصی که چنین حقایقی را از امام(ع) می‌دیدند دارای خانواده و یا خاندان و قبیله بودند و با مردم دیگر در ارتباط بودند لذا شخصی که صدور معجزه‌ای را مشاهده می‌کرد این امر بازتاب ویژه‌ای در خانواده و یا قبیله وی داشت و نوعی در راستای معرفت به امام و گسترش معرفت به امام در میان مردم می‌شد. از سوی دیگر بی‌تردید ظهور چنین کراماتی از امام(ع) که سرشار از برکت و رحمت در زندگی عموم مردم بود محبت و علاقه مردم را روز به روز به ایشان بیشتر می‌نمود و به تدریج موجب روی آوردن مردم به ایشان و گسترش تشیع در آن دیار می‌شد.

مناسبتی

به مناسبت ۲۹ خرداد ماه

سالروز درگذشت دکتر علی شریعتی

بگذار بر قامت بلند و راستین و استوار قلم به صلیم
کشند.

به چهار میخم کوبند، تا او که استوانه‌ی ماتم بوده
است،

صلیب مرگم شود، شاهد رسالتم گردد، گواه شهادتم
باشد.

تا خدا ببیند که به نامجویی، بر قلمم بالا نرفته نرفته‌ام
تا خلق بداند که به کامجویی، بر سفره‌ی گوشت حرام
توتمم ننشسته‌ام.

تا زور بداند، زر بداند و تزویر بداند که امانت خدا را
فرعونیان نمی‌توانند از من گرفت.

ودیع‌ه‌ی عشق را قارونیان نمی‌توانند از من خرید و
یادگار رسالت را بلع‌میان نمی‌توانند از من ربود.

